دریچه

واقعیت‌های وقایع اتفاقیه

درباره نشریه‌ای که امیرکبیر بنیاد گذاشت

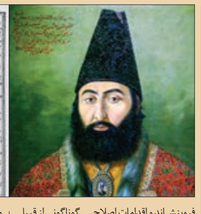

گروه ادبیات و اندیشه| «عوام نمی‌دانند که مصرف و حسن این وقایع اتفاقیه در چیست، یا خیال می‌کنند که دیوانیان عظام شروع به این کرده‌اند به جهت منافع و مداخل. لکن این‌طور نیست و نباید باشد. این اخبار چیزی است، این‌ها به جهت تربیت خلق است و اینکه این‌ها از امور دیوانی و اخبار و مناسبات دول و منافع خاص و عام و مقتضیات عصر عالم باشند، و اینکه تا روزی که من هستم نمی‌شود که این اطلاع به عامه نرسد. این روزنامه منصبی نیست که به کسانی که از دیوان اعلی اسامی ایشان تعیین شده، به این‌ها برسد و به دیگران نرسد.» این سخنانی است که میرزا تقی‌خان امیرکبیر درباره سومین نشریه تاریخ ایران، یعنی «روزنامه وقایع اتفاقیه»، گفته است. وزیر بزرگ میهن‌دوست و ترقی‌خواه ایرانی و بنیادگذار این نشریه در شرایطی که استبداد و ستم و جهل و فقر ناشی از سلطنت قاجاریه بر زندگی ایرانیان تأثیرات سوئی گذاشته بود، هدف نشریه یادشده را «تربیت خلق» و «علم» شدن مردم از اخبار و مسائل زمانه می‌دانست. او که در دل در گرو پیشرفت ایران و مردمانش داشت، به‌خوبی دریافته بود آنچه در این مسیر بازدارنده بوده است و هست نادانی است و افدامانی چون راه‌اندازی مدرسه و انتشار مطبوعات می‌تواند در زدودن این نادانی مؤثر باشد.

نخستین شماره روزنامه (که در واقع عقدنامه بود) در ۵ ربیع‌الثانی سال ۱۲۶۷ ه. ق. (۱۸ بهمن ۱۲۲۹ خورشیدی) چاپ شد. این رویداد همزمان با سومین سال سلطنت ناصرالدین شاه قاجار بود و پیش از آن، امیر موفق شده بود آتش فتنه‌های باب و سالار را فرونشاند و اقدامات اصلاحی گوناگونی از قبیل کاستن از حقوق شاه و شاهزادگان و درباریان و حمایت از تولیدات داخلی در موضوع جامه نظامیان و مهمات‌سازی و ... صورت دهد. در شماره نخست نشریه، تصویر شیر و خورشید با عبارت «یا اسدا... الغالب» به گونه‌ای طراحی شده بود که واژه «ا...» بالای شیر قرار گیرد. «یا اسدا... الغالب» و «روزنامه اخبار دارالخلافه طهران» در فضای گرافیکی‌ای متفاوت از خوش‌نویسی معمول چاپ شده بود.

روزنامه وقایع اتفاقیه نشریه‌ای سیاسی- علمی -اجتماعی و محتوای آن عبارت بود از اخبار داخلی (خبرهای مربوط به دربار، عزل و نصب‌ها، اعطای مقام‌ها و نشان‌ها و امتیازات، رویدادهای گهگاهی شهرهای ایران و حوادث) و اخبار خارجی (رویدادهای کشورهای اروپایی). از نکات جالب آن درج بهای بیزینه‌های مردم، آگهی‌های دولتی با عنوان اشتهارنامه، پاسخ به اعلامیه‌ها و مقالات منتشرنشده در جراید خارجی درباره ایران و ... بود. همچنین زبان مطالب ساده بود و از این نظر وقایع اتفاقیه آغازی بر تحول نثر فارسی است.

با این همه، خودکامگی و شرایط حاکم بر زمانه سبب شده بود یک صفحه و نیم از ۶صفحه نشریه به اخبار و جزئیات کارهای ناصرالدین‌شاه اختصاص پیدا کند. این بخش از مطالب چنان چاپلوسانه بود که آب شدن برف را هم ناشی از وجود مبارک قبله عالم بیان می‌کرد. خواننده در شماره سوم می‌خواند: «از یمن طالع فیروزی مطالع و اقبال بی‌همال سرکار اعلیحضرت پادشاهی هوای دارالخلافه طهران در این اوقات به طوری خوب و خوش می‌گذرد که برف به آن شدت در سه چهار روزه به‌کلی از اطراف و حول و حوش رفت.» حتی در شماره هفتم سال نخست، فکر راه‌اندازی و برپایی روزنامه به شاه جوان نسبت داده شد: «از آنجا که همت خسروانی اعلیحضرت پادشاهی مصروف به تربیت اهالی و اعیان و رعایا و تجار و کسبه دولت خود است که به دانش و بینش آن‌ها بیفزاید از [گزارش] داخله و خارجه خبردار باشند، لهذا به انتشار آن [روزنامه] به ممالک محروسه فرمایش فرمودند تا اطلاع آگاهی و دانایی و بینایی اهالی این دولت علیه بیشتر شود.»

بهای هر نسخه از نشریه ۱۰ شاهی بود که برابر بود با بهای نیم من گوشت و برای عموم مردم قیمت گرانی شمرده می‌شد. پخش‌کنندگان هم چیزی بر این قیمت می‌افزودند تا در عمل، نشریه از دسترس عوام دورتر شود. امیرکبیر اشتراک آن را برای کسانی که از دولت حقوقی بیش از ۲۰۰ تومان می‌گرفتند اجباری کرده بود. در صفحه یک شماره نخست آمده است: «دولت علیه اعضای دولت، صاحب‌منصبان و رعایای صادق را موظف کرده بود این روزنامه را بخرند.»

در شماره سوم، خودکامگی و شرایط حاکم بر زمانه سبب شده بود یک صفحه و نیم از ۶صفحه نشریه به اخبار و جزئیات کارهای ناصرالدین‌شاه اختصاص پیدا کند. این بخش از مطالب چنان چاپلوسانه بود که آب شدن برف را هم ناشی از وجود مبارک قبله عالم بیان می‌کرد. خواننده در شماره سوم می‌خواند: «از یمن طالع فیروزی مطالع و اقبال بی‌همال سرکار اعلیحضرت پادشاهی هوای دارالخلافه طهران در این اوقات به طوری خوب و خوش می‌گذرد که برف به آن شدت در سه چهار روزه به‌کلی از اطراف و حول و حوش رفت.» حتی در شماره هفتم سال نخست، فکر راه‌اندازی و برپایی روزنامه به شاه جوان نسبت داده شد: «از آنجا که همت خسروانی اعلیحضرت پادشاهی مصروف به تربیت اهالی و اعیان و رعایا و تجار و کسبه دولت خود است که به دانش و بینش آن‌ها بیفزاید از [گزارش] داخله و خارجه خبردار باشند، لهذا به انتشار آن [روزنامه] به ممالک محروسه فرمایش فرمودند تا اطلاع آگاهی و دانایی و بینایی اهالی این دولت علیه بیشتر شود.»

بهای هر نسخه از نشریه ۱۰ شاهی بود که برابر بود با بهای نیم من گوشت و برای عموم مردم قیمت گرانی شمرده می‌شد. پخش‌کنندگان هم چیزی بر این قیمت می‌افزودند تا در عمل، نشریه از دسترس عوام دورتر شود. امیرکبیر اشتراک آن را برای کسانی که از دولت حقوقی بیش از ۲۰۰ تومان می‌گرفتند اجباری کرده بود. در صفحه یک شماره نخست آمده است: «دولت علیه اعضای دولت، صاحب‌منصبان و رعایای صادق را موظف کرده بود این روزنامه را بخرند.»

با این همه، خودکامگی و شرایط حاکم بر زمانه سبب شده بود یک صفحه و نیم از تولیدات داخلی در موضوع جامه نظامیان و مهمات‌سازی و ... صورت دهد. در شماره نخست نشریه، تصویر شیر و خورشید با عبارت «یا اسدا... الغالب» به گونه‌ای طراحی شده بود که واژه «ا...» بالای شیر قرار گیرد. «یا اسدا... الغالب» و «روزنامه اخبار دارالخلافه طهران» در فضای گرافیکی‌ای متفاوت از خوش‌نویسی معمول چاپ شده بود.

روزنامه وقایع اتفاقیه نشریه‌ای سیاسی- علمی -اجتماعی و محتوای آن عبارت بود از اخبار داخلی (خبرهای مربوط به دربار، عزل و نصب‌ها، اعطای مقام‌ها و نشان‌ها و امتیازات، رویدادهای گهگاهی شهرهای ایران و حوادث) و اخبار خارجی (رویدادهای کشورهای اروپایی). از نکات جالب آن درج بهای بیزینه‌های مردم، آگهی‌های دولتی با عنوان اشتهارنامه، پاسخ به اعلامیه‌ها و مقالات منتشرنشده در جراید خارجی درباره ایران و ... بود. همچنین زبان

زبان حال

نشانه‌گذاری سجاوندی: یعنی

ایرج طوفان | مقصود ما از «نشانه‌گذاری سجاوندی: یعنی» بحث درباره نشانه‌گذاری جمله‌هایی است که در آن‌ها با در جمله بعد از آن‌ها واژه «یعنی» به کار رفته است. در این باره، از حیث ساخت جمله (معتقدم نشانه‌گذاری سجاوندی اصلا ربطی به ساختاری است و نباید معنا را در آن دخیل کرد)، ۲ تحلیل وجود دارد: به تعبیر نگارنده، تحلیل «سنتی» یا «قالبی» و تحلیل «دستوری». مقصود از تحلیل قالبی آن است که باور عمومی پیرو عده‌ای از «بوراستران» بر آن است و غالبا بدون شناخت نحو (خوش‌بینانه‌تر، بدون در نظر گرفتن آن) عمل می‌کند. در این روش، واژه‌ای در نظر گرفته و برای آن در همه‌جا حکمی کلی داده می‌شود. برای مثال، در بحث ما، معتقدند همواره پیش از «یعنی» نقطه‌ویرگول می‌گذارم. درست است اما نه همیشه. چرا؟ این نمونه‌ها را ملاحظه کنید: ۱- «بدتارگی نیز تحصیلات در این کشور اجباری شده است؛ یعنی هر کودک بعد از رسیدن به هفت‌سالگی، باید دست‌کم ۸ سال به مدرسه برود.» ۲- «مرگ، یعنی زندگی جاوید» ۳- «اگر در کوچه‌ای بن‌بست زندگی می‌کنید، تمام کوچه حق شما و همسایگان است؛ یعنی کسانی که در کوچه حق عبور و به ساختمان‌های آن دسترسی دارند.» و ۴- «این اصل؛ یعنی در نظر داشتن مصلحت کودک، موضوعی است که در حقوق اسلام نیز ریشه‌هایی بسیار قوی دارد.» کاملا روشن است که در جمله‌های ۱ و ۲ که با واژه «یعنی» به کار رفته است،